

## تحلیل تطبیقی آرای تفسیری آیت‌الله معرفت و رمضان البوطی پیرامون شبهات روابط زناشویی

(بررسی موردی: «ازدواج با مطلقه فرزندخوانده، قوامیت، ضرب زنان و حورالعین»)

تأیید: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

زهرا بشارتی<sup>۱</sup>

### چکیده

اهتمام به تعالیم قرآنی در حوزه روابط زناشویی به منظور تحکیم روابط خانوادگی و به تبع آن، رشد و اعتلای جامعه، حائز اهمیت است. فهم و تفسیر برخی از آیات مرتبط با روابط زناشویی در قرآن، با شبهات و چالش‌هایی مواجه شده و مفسران ذیل این آیات، تفاسیر گوناگونی ارائه کرده‌اند. این امر، برخی از اندیشمندان مسلمان هم‌چون محمدسعید رمضان البوطی، فقیه اهل سنت و آیت‌الله شیخ محمدهادی معرفت، عالم شیعی را بر آن داشت تا در آثار خویش به پاسخ‌گویی مبادرت ورزند. نوشتار حاضر، آرای این دو اندیشمند مسلمان پیرامون مواردی چون ازدواج با همسر مطلقه فرزندخوانده، قوامیت، ضرب زنان و ازدواج بهشتی را با بهره‌گیری از روش تطبیقی جزئی و تأمل در آیات قرآن کریم، روایات اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> و زبان عرب، مورد واکاوی قرار داده است. بر این اساس، مفهوم سرپرستی برای قوامیت و مأموریت پیامبر اکرم<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> جهت الغای سنت فرزندخواندگی ضمن ماجرای ازدواج با زینب بنت‌جحش، در آرای هر دو اندیشمند مذکور مشابه می‌نمود. از دیگر سو، مواردی چون تفکیک مفهوم ولایت و قوامیت، عصمت پیامبر<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> در ماجرای ازدواج با همسر مطلقه فرزندخوانده خویش و تداوم زندگی مشترک زنان و مردان مومن در بهشت، از اختلافاتی است که در آرای ایشان به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: آیت‌الله معرفت، البوطی، قرآن، شبهه، روابط زناشویی.

<sup>۱</sup> استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، z\_besharati@sbu.ac.ir

### طرح مسئله

قرآن کریم در عصری نازل شد که فرهنگ مذموم جاهلیت بر افکار و اعمال عرب در شئون مختلف زندگی سایه افکنده و بر عادات و رسوم ایشان به ویژه در روابط زناشویی تأثیرگذار بود. با توجه به هم عصری نزول قرآن با این فرهنگ، بررسی دقیق آیات دربردارنده موضوع فوق (روابط زناشویی)، از حیث تأثیرپذیری، اصلاح یا رد رسوم جاهلیت ضروری می‌نماید. اندیشمندان مسلمانی هم چون آیت‌الله معرفت<sup>۱</sup> که قرآن را معجزه جاویدان دانسته و حقایق و احکام آن را مقید به زمان و مکان خاصی نمی‌داند، تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ آن زمان را با تکیه بر روش‌های نقلی و عقلی ذیل آیات مربوطه نفی و به موارد اصلاح یا رد فرهنگ مذموم جاهلیت در متن آیات اشاره کرده‌اند. یکی از فصل‌های کتاب «شبهات و ردود حول القرآن الکریم» آیت‌الله معرفت با ترجمه فارسی «نقد شبهات پیرامون قرآن کریم»، به بررسی و تحلیل آیات مرتبط با فرهنگ زمان نزول قرآن اختصاص یافته و از آن جا که روابط زناشویی ذیل فرهنگ قرار می‌گیرد، آیات مربوط به آن، همراه با تفسیر و تبیین، در همین فصل کتاب آمده است.

رویکرد محمدسعید رمضان البوطی، فقیه و محقق اهل سنت<sup>۲</sup> نیز در کتابی با نام «الایاتیه

<sup>۱</sup> آیت‌الله حاج شیخ محمدهادی معرفت (۱۳۸۵-۱۳۰۹ش)، از عالمان شیعه و محققان علوم قرآنی، در کربلا متولد شد و خاندانش از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی هستند. تحصیلات حوزوی را در حوزه‌های علمیه کربلا، نجف و قم گذراند؛ سپس در کنار فقه و اصول، توان خود را در تفسیر و علوم قرآن گذارد و با تحقیقات و تألیفات متعدد و تدریس در این رشته، به‌عنوان احیاگر علوم قرآنی در عصر حاضر شناخته شد. آثار علمی ارزشمندی هم چون «التمهید فی علوم القرآن» در ۱۰ جلد، «التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب»، «شبهات و ردود حول القرآن الکریم»، «صیانة القرآن من التحریف»، «التفسیر الاثری الجامع» و... از ایشان در این عرصه به یادگار مانده، که مورد مراجعه بسیاری از دانش‌پژوهان در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های اسلامی قرار گرفته است. آیت‌الله معرفت در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۸۵ش، دارفانی را وداع گفت و به جوار حق شتافت. پیکر این عالم ربانی و استاد برجسته علوم قرآنی، در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به آرامش ابدی رسید.

<sup>۲</sup> محمدسعید رمضان البوطی (۲۰۱۳-۱۹۲۹م)، عالم اهل سنت با دانشنامه دکتری در رشته اصول شریعت اسلامی از دانشگاه الازهر، مفتی اعظم فقه شافعی سوریه، رئیس دانشکده شریعت دانشگاه دمشق، عضو مجمع الملکی برای تحقیقات تمدن، مجمع فقه اسلامی و مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام للفکر الإسلامی عمان بود. او موفق به کسب جایزه بین‌المللی قرآن کریم دبی در سال ۱۴۲۵ هجری شد و ۲۱ مارس ۲۰۱۳ میلادی (اول فروردین ۱۳۹۲) در «مسجد ایمان» مرکز دمشق، طی حمله انتحاری تروریست‌های تکفیری به شهادت رسید. البوطی در هنگام شهادت، رئیس اتحادیه علمای بلاد شام بود.

الباطل»، پاسخ‌گویی به شبهات پیرامون قرآن، از جمله برخی مصادیق فرهنگ عصر نزول بوده است. وی در این میان، به بررسی و تبیین برخی آیات مربوط به روابط زناشویی نیز پرداخته است. با عنایت به این‌که آیت‌الله معرفت نیز در بخشی از کتاب شبهات و ردود، مصادیقی از شبهات فرهنگ زمان نزول قرآن در باب روابط زناشویی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است، به نظر می‌رسد، واکاوی و مقایسه آراء تفسیری این دو اندیشمند مسلمان، می‌تواند در روشن شدن حقایق دستورات و تعالیم این کتاب آسمانی یاری رساند. بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از روش تطبیقی جزئی و بهره‌گیری از قرآن، روایات و زبان عرب، به بررسی و مقایسه دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت و شهید بوطی در کتب مذکور، ذیل مصادیق روابط زناشویی (از جمله: ازدواج با مطلقه فرزندخوانده، قوامیت، ضرب زنان و حورالعین) در آیات قرآن کریم، پرداخته است. رهیافت فوق، کوششی است در پاسخ‌گویی به این پرسش کلیدی که: «وجوه اشتراک و افتراق آرای تفسیری آیت‌الله معرفت و محمدسعید رمضان البوطی پیرامون مصادیقی از روابط زناشویی، از حیث روش و محتوا چیست؟»

### ازدواج با مطلقه فرزندخوانده

فرزندخواندگی سنتی عام، رایج و ریشه‌دار در جزیره‌العرب بود که بر پایه آن، مزایا و احکام فرزند واقعی، در مورد فرزندخوانده نیز تحقق می‌یافت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با عنایت به این عرف عام، زیدبن حارثه را به فرزندخواندگی پذیرفتند و دختر عمه خویش، زینب بنت جحش را به ازدواج او درآوردند. لکن خداوند با تنزیل آیه: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ (احزاب/۴ و ۵)؛ و فرزندخوانده‌های شما را فرزند حقیقی قرار نداده است، این سخنی (باطل و بی‌مأخذ) است که شما تنها به زبان خود می‌گویید؛ اما خداوند حق می‌گوید، و به راه راست هدایت می‌کند. آن‌ها را به نام پدران‌شان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است، و اگر پدران آن‌ها را نمی‌شناسید، آن‌ها برادران دینی و موالی شما هستند...»، حکم جدیدی تشریح و این سنت را لغو نمود. با تشریح این حکم، پسرخوانده در حکم فرزند حقیقی نبود و ازدواج با مطلقه او نیز مباح دانسته می‌شد.

روابط زید و همسرش به دلیل ناسازگاری خلقی، به تیرگی گرایید و هر بار که شکایت نزد آن حضرت بردند، بنا بر آیه: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ

وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (احزاب/۳۷)، پیامبر اکرم ﷺ از زید خواستند تا همسرش را نگه داشته و تقوای الهی پیشه نماید. براساس آیه مذکور، خداوند متعال، آن حضرت را از این که زید همسرش را طلاق خواهد داد، آگاه کرده بود؛ اما در عین حال، پیامبر اکرم ﷺ از آنان می خواستند به زندگی خود ادامه دهند. علی رغم این تلاش‌ها، مصالحه میان زید و زینب بنت جحش نتیجه نداد و آن دو از یکدیگر جدا شدند. پس از آن، پیامبر اکرم ﷺ به حکم الهی و جهت برچیدن ریشه‌های این سنت جاهلی، با مطلقه پسرخوانده خویش ازدواج کردند. برخی این ازدواج را که در آیات ۳۷-۴۰ سوره احزاب بدان اشاره شده، دست‌مایه‌ای جهت تحریف آیات قرآن دانسته‌اند و با تبدیل این داستان به یک درام عاشقانه، این‌گونه بیان داشته‌اند که روزی ناگهان چشم پیامبر به زینب زید افتاد و میلی از او در دل پیامبر پیدا شد؛ به این خاطر، زید زینب را طلاق داد تا رسول خدا با او ازدواج کند (لوبون، ۱۳۵۸ش، ص ۱۱۸).

البوطی در پاسخ به این اتهام، بیان می‌دارد: عقلای عالم این را درک می‌کنند که خواست خدا در الغای این حکم، ریشه‌کن کردن آن از سرزمین جزیره‌العرب بوده است (البوطی، ۱۴۳۱ق، ص ۱۶۵). وی در این خصوص به شواهدی چون این روایت عایشه: «آیه‌ای بر پیامبر اکرم ﷺ نازل نشد که از این آیه بر ایشان سخت‌تر باشد. اگر امکان داشت آن حضرت آیه‌ای از قرآن را کتمان نماید، حتما آیه ۳۷ سوره احزاب را کتمان می‌نمود»، اشاره کرده و معتقد است اگر رسول گرامی اسلام ﷺ خود مؤلف و صانع قرآن بودند، ضرورت داشت همان‌گونه که در روایت عایشه نیز بدان اشاره شده است، آیه مذکور را از قرآن حذف نمایند؛ چرا که این آیه از ابتدا تا انتها به عتاب آن حضرت پرداخته و در بخش‌هایی می‌فرماید: «آن چه در درون خویش مخفی نگاه داشتی» و یا هشدار می‌دهد به جای ترس از سخنان قوم خود که بگویند چرا با مطلقه پسرخوانده ازدواج نموده، خشیت الهی پیشه نماید و... دلیل بر آن است حضرت محمد ﷺ در ابلاغ وحی، امانت را رعایت نموده است (البوطی، ۱۴۳۱ق، ص ۱۶۵). این عالم اهل سنت، روایت تفسیری دیگری را ذیل آیه مذکور مورد توجه قرار داده که از این قرار است: «أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ رَأَى زَيْنَبَ عَرَضًا فَأَشَاحَ بوجْهه عنها وقال: سبحان الله مقلب القلوب؛ محمد ﷺ زینب را درحالی که به ایشان روی آورده بود، دیدند و صورت خویش را از او برگرداندند و گفتند: منزه است خدایی که مقلب القلوب است». او سپس به برخی از اقوال تفسیری که این روایت را دلیل بر تحرک قلب پیامبر ﷺ نسبت به زینب

پیش از طلاق او از زید می‌دانند، اشاره کرده و می‌گوید: «دانشمندان حدیث بر این‌که روایت فوق صحیح نبوده و فاقد اعتبار است، اتفاق دارند» (البوطی، ۱۴۳۱ق، صص ۱۶۶). او بر این باور است، حتی در صورت در نظر نگرفتن ضعف سندی این روایت، با عنایت به متن آن، خدشه‌ای بر کرامت و شخصیت اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد نخواهد شد؛ زیرا خداوند قصد ریشه‌کن کردن سنت جاهلی مذکور را داشت و ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زینب، حکم الهی بود. لذا اگر خدا حکم به این عمل داده، اسباب و مقدمات آن را که کدورت در روابط زیدبن حارثه و همسرش و به تبع آن، طلاق ایشان و از دیگر سو، گرایش قلبی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به زینب بنت جحش است، را نیز فراهم می‌آورد. لذا با فرض صحت روایت مذکور هم، کرامت و شخصیت اخلاقی حضرت محمد صلی الله علیه و آله خدشه‌دار نخواهد شد؛ چرا که گرایش قلبی آن حضرت به زینب نیز از حکمت الهی نشأت می‌گیرد. هم‌چنین باید در نظر داشت، در صورتی که این ماجرا خدشه‌ای بر کرامت و شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد می‌ساخت، مشرکان مکه و یهودیان که عداوت آشکاری با آن حضرت داشتند، خاموش نمی‌ماندند و اتهاماتی بر ساحت ایشان وارد می‌ساختند؛ درحالی‌که هیچ اتهامی در این زمینه، از جانب آنان بر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وارد نشده است (البوطی، ۱۴۳۱ق، صص ۱۶۶-۱۶۷).

آیت‌الله معرفت نیز موضوع زینب بنت جحش را تقریباً با همان کیفیتی که پیش‌تر بیان شد، با تفاوت‌هایی در جزئیات روایت نموده و معتقد است: حضرت محمد صلی الله علیه و آله الگوی مثال‌زدنی قوانینی گشتند که رسم و رسومات و عادات جاهلی را برمی‌چید. ایشان با استناد به همان آیات ۳۷ و ۳۸ سوره احزاب، بر بی‌پایه بودن داستان عاشقانه‌ای که توسط برخی مستشرقان مطرح شده بود، تأکید می‌نمایند. البته در این مورد، سخنی از روایات به میان نمی‌آورد و در نهایت چنین بیان می‌دارد که آن‌چه پیامبر صلی الله علیه و آله در دل خود پنهان می‌کردند و خدا آشکار فرمود، اطلاع ایشان از سرانجام کار و زمینه‌سازی برای تحقق حکمت دیگر خدای تعالی برای تحکیم قانون خود در زمین بود. این عالم و مفسر شیعی، سپس تأکید می‌کند: ترس پیامبر صلی الله علیه و آله از این بود که فتنه جاهلیت قدیم برخیزد و عرب، نقض عادات موروثی خود را برنتابد. لذا خداوند متعال با نزول آیاتی چون: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه/۳۳)؛ اوست که فرستاد رسولش را به هدایت و دین حق، تا غالب گرداند آن‌را بر همه دین‌ها»، «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر/۹)؛ ما قرآن‌را نازل کردیم، و ما به‌طور قطع آن‌را پاسداری می‌کنیم»، «وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (نحل/۱۲۷)؛ و از توطئه‌های آن‌ها در تنگنا قرار مگیر»؛ و «وَاللَّهُ يَعِصْمُكَ مِنَ النَّاسِ

(مانده/۶۷)؛ و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد»، به آن حضرت اطمینان داد که آیین و حاکمیت حق بر هر راه و رسم مخالفی چیره خواهد گشت و موانع را از سر راه برخواهد داشت (معرفت، ۱۳۸۸ش، صص ۱۷۲-۱۷۴).

### مقایسه از حیث محتوا

آیت‌الله معرفت، تقریباً همان داستانی را ذکر می‌کند که رمضان بوطی آورده؛ ولی تحلیل داستان از منظر این دو محقق مسلمان در برخی موارد متفاوت است. شهید البوطی هرچند داستان عاشقانه را با عنایت به ضعف روایات پیرامون آن با تردید مواجه ساخته، لکن وجود چنین داستانی را نیز مغایر با شخصیت اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌داند و از آن به حکمت الهی تعبیر می‌کند. برخی از مستشرقان نیز این رأی را پذیرفته و معتقدند اگر خدا مقتضی دانسته باشد، جنبه‌های غریزی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان یک فرد بشر، وسیله و ابزاری قرار دهد تا نظم نوینی را برقرار سازد، در این صورت افراد عادی چه حقی داشتند بر حکمت خدا و یا کسب لذت اعتراض کنند (Tor, 1956, p. 154). اما آیت‌الله معرفت هم‌سو با دیگر مفسران شیعه، داستان مذکور را فاقد صحت و با عصمت و تقوای سرشار آن حضرت ناسازگار دانسته و این قول را نپذیرفتند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۴۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۴۲۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۳۱۷). لذا به نظر می‌رسد، دلیل اصلی این تفاوت دیدگاه، به نگرش شیعه و اهل سنت در مورد شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عصمت آن حضرت باز می‌گردد. شایان ذکر است، دلیل ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زینب بنت جحش از سوی این دو اندیشمند مسلمان، الغای رسوم جاهلیت است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به امر الهی مأمور به انجام آن بودند تا الگو و اسوه‌ای برای دیگران باشد؛ و از این حیث، تفاوتی در آراء ایشان مشاهده نمی‌شود.

### مقایسه روشی

توجه به سیاق آیات، استناد به دیگر بخش‌های قرآن و بررسی شأن نزول آیات ۳۷-۴۰ سوره احزاب، روشی است که رمضان البوطی و آیت‌الله معرفت، هر دو در تفسیر آیات مورد بحث به کار گرفته‌اند؛ و تنها تفاوت در روش ایشان را باید در استفاده البوطی از روایات در پاسخ‌گویی به برخی شبهات پیرامون داستان بیان‌شده در آیات دانست.

## قوامیت مردان

با عنایت به آیه: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِأَنفُسِهِمْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ» (نساء/۳۴)، مردان قوام بر زنان دانسته شده‌اند. از آن‌جا که در آیه، قوامیت همنشین با فضل به کار رفته است، این احتمال وجود دارد که از این تعبیر، مفهوم برتری مردان بر زنان هم‌سو با جایگاه پایین‌تر زنان دوران جاهلیت، در ذهن ایجاد شود. از این‌رو، رمضان البوطی و آیت‌الله معرفت، قوامیت را به‌عنوان یکی از شبهات فرهنگ زمانه مطرح کرده‌اند.

البوطی در مورد شبهه‌ای که به آیه فوق بازمی‌گردد، معتقد است، پیش از فهم این آیه باید معنای دو کلمه «قوامه» و «ولایه» دانسته شود. در اصطلاح شرعی، ولایه بر شیء یا شخصی که نقص اهلیت داشته باشد، موضوعیت می‌یابد؛ چرا که شخص فاقد اهلیت، نمی‌تواند تمام یا بخشی از حقوق خود را بدون اذن «ولی» استیفا نماید. از طرفی، در شریعت اسلام، حق اهلیت برای زن و مرد مسلمان در صورتی که هرکدام از جهت عقلی به رشد کامل رسیده باشند، مساوی است. او سپس به آیه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه/۷۱)؛ و مردان و زنان باایمان دوست و یاور و سرپرست یکدیگرند» استناد می‌کند که در آن، حق ولایت زنان و مردان با ایمان مساوی شمرده شده است؛ درحالی‌که در مورد حق قوامیت با عنایت به آیه: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/۳۴)، تساوی میان زن و مرد وجود ندارد. البوطی، قوامیت را از «قام بالامر» یعنی اهتمام به امور و شئون و معنای اصطلاحی آنرا اهتمام به امور مربوط به زن از حیث نگهداری، حمایت و دفع خطرها از او و پیشکش کمک‌های مادی و معنوی به او دانسته و می‌گوید: آنچه باعث بروز چنین شبهه‌ای شده، خلط میان دو مفهوم ولایت و قوامیت است؛ زیرا برخی، قوامیت در این آیه را به ولایت تعبیر کرده و این‌گونه نتیجه گرفته‌اند که مرد بر تمام شئون همسر خویش مانند کرامت و آزادی او، حق ولایت و تصرف دارد و باید بر او مسلط باشد. حال آن‌که آیه مذکور، تنها حق قوامیت را به مرد واگذار کرده است که دلیل آن‌را در ادامه همین آیه آورده و می‌فرماید: «بِأَنفُسِهِمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِأَنفُسِهِمْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء/۳۴). اولین دلیل، برتری جسمی مرد نسبت به زن است که از منظر البوطی، نباید این برتری را به فضیلت در قرب الهی و یا شأن اجتماعی تسری داد. چه‌بسا زنانی که از این حیث، نسبت به همسرشان و دیگر مردان برترند. دلیل دوم، حق نفقه زن است که برعهده مرد بوده و بنا بر مفهوم قوامیت، چنین حقی، نوعی مسئولیت برای مرد محسوب می‌شود که طبق قوانین بشری نیز هر که انفاق کند، اشرف و سرپرستی برعهده اوست. البوطی

هم‌چنین با اشاره به این‌که گاه زنان از نظر قدرت مواجهه با خطر و حمایت خانواده، بر مردان برتری دارند، بر این نکته تأکید کرده است که نباید موارد شاذ و نادر را در یک نظام عام وارد نمود؛ بلکه باید در این مصادیق، متناسب با موقعیت و شرایط، درخصوص دادن حق قوامیت به زن حکم کرد و این امر، خدشه‌ای بر آن قانون عام وارد نمی‌سازد (البوطی، ۱۴۳۱ق، صص ۱۴۹-۱۵۳).

آیت‌الله معرفت با استناد به فرمایش امام علی علیه السلام: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰؛ سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۵) معتقد است، داده‌های آفرینشی و ذاتی مرد با زن تفاوت دارد؛ چنان‌که طبیعت زنانه و لطیف او با طبیعت مرد تفاوت دارد. او زن را در حقوق و بهره‌های انسانی هم‌سنگ مرد می‌داند، اما سهمی که مرد در این مسیر مشترک بر دوش دارد، دشوارتر است؛ جدا از وظیفه سرپرستی و رسیدگی که بار او را در چرخه زندگی سنگین‌تر می‌کند: «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/۲۸۸). این تفاوت ذاتی و امکاناتی، نقش مرد را در خانواده، قوامیت قرار داده است. زن به ویژگی‌هایی چون عاطفه، مهربانی و دلسوزی و واکنش و پاسخ‌گویی سریع در برابر خواسته‌های کودک مجهز شده، بی‌آن‌که نیاز به آگاهی و اندیشه پیشین داشته باشد (معرفت، ۱۳۸۸ش، صص ۱۱۸ و ۱۱۹). ایشان سپس با اشاره به دیدگاه سیدقطب که می‌گوید: چنین ویژگی‌هایی سطحی نیستند، بلکه ریشه در بافت جسمی و سلسله اعصاب و اندیشه و روان زن دارند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، صص ۳۵۴-۳۵۵) و تفسیر محمد عبده که زندگی زنانشویی را نوعی زندگی اجتماعی می‌داند که مصالح آن، جز با وجود یک رئیس مطاع، تأمین نمی‌شود (عبده، بی‌تا، ج ۵، ص ۶۷)، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که مردان بر زنان قوام هستند، به دلیل آن‌چه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است. به گونه تکوینی. و به دلیل آن‌چه از اموال خود برپایه وظایف خانوادگی انفاق می‌کنند (معرفت، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲۱).

### مقایسه از حیث محتوا

اولین گام در مقایسه دیدگاه‌های این دو محقق مسلمان، عنایت به مفهوم‌شناسی قوامیت نزد ایشان است. «قوام» در لغت به معنای آن‌چه تو را برپا می‌دارد و بهره‌مند و غنی می‌سازد؛ و «قوام کل شیء» به مفهوم آن‌چه اشیاء به واسطه آن استقامت می‌یابند، گزارش شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۵۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۵۰۴).

با نگاهی به معانی و ترجمه‌های گوناگونی که تا کنون از قوامیت مردان بر زنان ارایه شده، مانند: سرپرستی (مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۸۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۸۴؛ گرمارودی،

۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۸۴؛ کاراندیشی و تدبیرکنندگی (پاینده، ۱۳۵۴ش، ج ۱، ص ۸۴؛ پورجوادی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸۴؛ انصاریان، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۸۴)؛ عهده‌داری نفقه (مصباح‌زاده، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۸۴؛ عاملی، ۱۳۶۰ش، ج ۲، ص ۳۹۲). نگهبان زنانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۸۴؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۸۴). مردان کارگزاران زنانند (صفی‌علی‌شاه، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۴۳؛ مصباح‌زاده، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۸۴؛ شعرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۸۰)، به نظر می‌رسد معنای غالب، همان مفهوم سرپرستی و تدبیر امور زنان باشد؛ هرچند برخی نیز قوامیت را به مطلق تسلط مردان بر زنان تعبیر کرده‌اند (آیتی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۸۴؛ یاسری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۴؛ دهلوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۷۷). از تأمل در آراء آیت‌الله معرفت و رمضان البوطی، حاصل می‌شود که هر دو اندیشمند معاصر، هم‌سو با غالب محققان و مترجمان قرآن، معنای سرپرستی و تدبیر امور زنان را برگزیده‌اند. البته نگرش رمضان البوطی در تفکیک معنا و کاربرد «ولایت» و «قوامیت» با استناد به آیات ۷۱ سوره توبه و ۳۴ سوره نساء، در مقایسه با مفهومی که آیت‌الله معرفت از قوامیت ارایه می‌دهد، تفاوت‌هایی دارد؛ البوطی، شئون غیرمالی و حمایتی زن چون حق کرامت و آزادی او (البته خارج از محدوده وظایف واجب) را از دایره قوامیت مرد خارج ساخته که این تفکیک برای قوامیت، در تفسیر آیت‌الله معرفت از آیه مذکور مشاهده نمی‌شود؛ هرچند از فحوای برخی سخنان ایشان، برداشتی مشابه با رأی رمضان البوطی به دست می‌آید. هم‌چنین البوطی معتقد است، برتری در این آیه، جسمی بوده، عاملی جهت اشراف و حمایت مرد از همسر خویش است و مایه ریاست یا به منزله مقامی برای مرد در خانواده نیست؛ اما آیت‌الله معرفت با تکیه بر ویژگی عاطفه‌ورزی در زنان، از آن به عامل بازدارنده جهت ترجیح جانب عقل تعبیر کرده، برتری مردان را بر زنان، در دو حوزه عقلی و فیزیکی دانسته و با تکیه بر آراء مفسرانی چون عبده، بر ریاست و منصب مرد در خانواده تصریح کرده است. این دو اندیشمند مسلمان در عین حال، بر تساوی مردان و زنان در تقرب به پروردگار و پیشه کردن تقوای الهی تأکید کرده‌اند. در تحلیل این دو دیدگاه باید گفت، این دو تفسیر از آیه مورد بحث، همواره حامیانی داشته است. برخی نگاه متفاوت میان مرد و زن در این آیه را، نه تحت تأثیر فرهنگ جاهلی که هم‌خوان با عقل سالم و تدبیر صحیح دانسته و معتقدند: «هر که بامش بیش، برفش بیش‌تر!» (رستمی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۲۸)؛ اما گروه دیگر بر این باورند، «قوام» کسی است که با جدیت و تلاش زیاد به کاری قیام کند؛ پس مرد نسبت به زن چنین وظیفه‌ای در خانواده برعهده دارد و این وظیفه و تکلیف است، نه پست و مقام (مسعودی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۱۹). به عبارت دیگر، خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره نساء به مردان می‌فرماید: «شما به امر

خانواده قیام کنید؛ همان‌گونه که برای عدالت و دادگستری امر کرده و فرمود: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» (نساء/۱۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید؛ یعنی روح جمله در آیات الهی، امر به قیام نسبت به وظیفه در زندگی خانوادگی است و خدا در آیه: «الرجال قوامون على النساء» (نساء/۳۴)، فتوای یک‌جانبه نداده که: «مرد فرمانروا است و هرکاری بخواهد، می‌تواند انجام دهد»؛ اگر اسلام این دو حکم الزامی را در کنار هم ذکر می‌کند، به زن دستور تمکین و در مقابل، به مرد دستور سرپرستی می‌دهد، تنها بیان وظیفه بوده و هیچ‌یک نه معیار فضیلت است و نه معیار نقص (جوادی آملی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۶۷). بر این اساس، برتری جسمی مرد نسبت به زن در این آیه و شرح وظایف متقابل ایشان در خانواده، با عنایت به سیاق و مفهوم‌شناسی قوامیت محرز است، ولی اثبات برتری عقلی مردان نسبت به زنان، تنها با اشاره به پررنگ‌تر بودن عنصر عاطفه در وجود ایشان\_ به گونه‌ای که عقل را زایل کرده و مانع تشخیص مصالح خود و خانواده ایشان شود\_، نیازمند اقامه دلیل بوده و صرفاً در حد یک احتمال باید به آن نگریست. برخی پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد، زنان با وجود احساساتی بودن، در شرایط تصمیم‌گیری، در مقایسه با مردان به یک‌میزان منطقی هستند (Friedsdorf, R; Conway, P; Gawronski, B, 20015, pp. 696-713). با عنایت به این‌که پژوهش‌های علم تجربی نیز قطعی نبوده و خطاپذیرند، قضاوت در مورد رفتار عقلانی زنان و مردان در حالت عام و کلی، نیازمند ادله‌ای متقن بوده که نمی‌توان آن‌را در فهم کلام الهی وارد نمود.

آیت‌الله معرفت در رابطه با قوامیت در موقعیت‌های شاذ، سخنی به میان نیاورده است؛ اما رمضان البوطی با اشاره به این‌که گاه زنان، از نظر قدرت مواجهه با خطر و حمایت خانواده، بر مردان برتری دارند، در عین حال بر این نکته تأکید کرده است که نباید مصادیق شاذ و نادر را در یک نظام عام وارد نمود، بلکه در این موارد، متناسب با موقعیت و شرایط، می‌توان درخصوص دادن حق قوامیت به زن حکم کرد. این نگرش در مذهب شیعه نیز با لحاظ اصل تابعیت مصالح حقوقی از مصالح اکثریت جامعه، مورد پذیرش بوده است. به عبارت دیگر، قواعد حقوقی، اعتباری بوده و مبنایش مصالح اکثریت است (احمدی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۹).

### مقایسه روشی

روش استناد به دیگر آیات قرآن و توجه به طبیعت و فطرت انسان از حیث جنسیت، توسط هر دو اندیشمند مسلمان مورد توجه قرار گرفته است. البته افتراقاتی نیز در آراء تفسیری ایشان مشاهده

می‌شود. رمضان البوطی از بحث واژگانی پیرامون قوامیت استفاده مؤثری نموده و با محور قرار دادن آن، به تفسیر پرداخته است. او هم‌چنین به قوانین عام بشری در اثبات مدعای خویش مبنی بر عدم ورود موارد نادر و شاذ در آن استناد کرده؛ اما آیت‌الله معرفت با اشاره به برخی روایات و آراء دیگر مفسران در سطحی محدود، از بحث واژگانی بهره چندانی نبرده است.

### ضرب زنان

خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء، پس از ذکر قوامیت مردان، ضرب زن ناشزه را نیز با طی مراحل چون موعظه و دوری در خوابگاه، تجویز نموده است. از آن‌جا که ضرب در نگاه متبادر امروزی، کتک‌زدن و به دیگر بیان نوعی خشونت انگاشته می‌شود، ممکن است این شبهه در اذهان ایجاد گردد که «وَأَضْرِبُوهُنَّ» در آیه فوق نیز متأثر از فرهنگ زمان نزول قرآن و با عنایت به جایگاه تحقیرآمیز زنان در آن دوران آمده، لذا این تعبیر در آثار هر دو اندیشمند به‌عنوان شبهه مطرح و پاسخ داده شده است.

رمضان البوطی، شبهه ضرب زنان را این‌گونه پاسخ داده است: افراد در هر جامعه انسانی باید به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و عدم رعایت حقوق واجب یکدیگر، جنحه<sup>۱</sup> محسوب می‌شود. این امر در مورد قوانینی که بشر وضع می‌کند، نیز صادق بوده و حقوق واجب زن و شوهر، از همین مقوله است. در آیه فوق، چون زن حق واجب شوهر را رعایت نکرده، مرتکب جنحه شده و ناشزه به حساب می‌آید، لذا شوهر این حق را دارد که به منظور تحکیم خانواده، پس از دو مرحله موعظه و هجران در خوابگاه، به یکی از دو روش زیر جهت حل مسأله نشوز اقدام نماید: همسرش را تنبیه بدنی ملایم (غیر میرح) نماید و یا به دادگاه معرفی کرده و حکم قاضی را برای زندانی کردن و حبس او بگیرد (البوطی، ۱۴۳۱ق، صص ۱۵۶ و ۱۵۷). وی در پاسخ خود، از روش نقضی نیز استفاده کرده و بیان می‌دارد: کشورهای غربی که خود مدافعان حقوق بشر هستند، نمی‌توانند ادعا کنند که بحث تنبیه بدنی زنان در آن‌جا وجود ندارد؛ آمارها حاکی از آن است که همه ساله زنان زیادی از ناحیه همسران‌شان در این کشورها مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند. اما وقتی به این آیه قرآن می‌رسند، آن‌را ناقض حقوق بشر می‌دانند (البوطی، ۱۴۳۱ق، ص ۱۶۰).

<sup>۱</sup> جنحه از ریشه جناح و به معنی گناه می‌باشد و در اصطلاح حقوقی به نوعی جرم اطلاق می‌گردد که مجازات آن خفیف‌تر از جنایت و شدیدتر از خلاف است. امروزه با تصویب قانون مجازات اسلامی، تقسیم‌بندی جرایم به جنایت و جنحه، از میان رفته است.

آیت‌الله معرفت در پاسخ به شبهه ضرب زنان، می‌گوید: اسلام در آغاز کار با برخی رسوم جاهلی مانند برده‌داری و تنبیه بدنی زنان، هم‌نوا شد و سپس به تدریج، این سنن جاهلی را ریشه‌کن نمود. ایشان به کارگیری چنین روشی را برای حذف عادت‌های حکم‌فرمای جاهلی، «نسخ تمهیدی زمان‌بندی شده» می‌نامد و معتقد است، در مورد تنبیه بدنی زنان نیز اگرچه در قرآن آمده، لکن از سوی آورنده شریعت به گونه‌ای تفسیر شده که تعدیل آن‌را در آن‌زمان و ریشه‌کن ساختن آن‌را در درازمدت موجب شود. این اندیشمند معاصر، با آوردن آراء برخی از مفسران در تحلیل روایات ضرب زنان، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که «زدن» در آیه به گونه‌ای غیر مبرح تفسیر شده، یعنی زدنی که دردآور نباشد، بلکه دست‌کشیدنی با ظرافت ویژه است. ایشان سپس روایات گوناگونی را مورد توجه قرار می‌دهد که بر رفتار پسندیده با زن صحه می‌گذارد. به‌عنوان نمونه در روایتی از امام صادق، از پدر بزرگوارشان، از امام سجاد، از امام حسین، از امام علی علیه السلام آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيَكْرِمْهَا (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۱۵۷)؛ هرکه همسری می‌گیرد باید او را گرامی بدارد». رسول‌خدا صلی الله علیه و آله در روایتی دیگر فرموده‌اند: «أَخْبَرَنِي أَخِي جَبْرِئِيلُ وَلَمْ يَزَلْ يوصيني بالنساء حتى ظننت أن لا يحل لزوجها أن يقول لها أف (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲)؛ برادرم جبرئیل مرا خبر داد و پیوسته درباره‌ی زنان سفارش می‌کرد تا آن‌جا که گمان بردم، مرد حق ندارد به همسرش سخن ناروایی بگوید» (معرفت، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴۹). آیت‌الله معرفت هم‌چنین با استناد به آیاتی مانند: «عاشروهنَّ بالمعروف (نساء/۱۹)؛ با زنان به نیکی رفتار کنید»، زدن را جزء سیره پیامبر صلی الله علیه و آله ندانسته و با عنایت به آیه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق نیکویی بود»، ترک زدن زنان را پیروی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می‌داند (معرفت، ۱۳۸۸ش، صص ۱۹۶-۱۹۹).

### مقایسه از حیث محتوا

واکاوی مضمون آراء این دو اندیشمند مسلمان در مورد «وَأَضْرِبُوهُنَّ»، از تفاوت اساسی و بارز میان دیدگاه‌های ایشان حکایت می‌کند. چرا که آیت‌الله معرفت با تکیه بر «نسخ تمهیدی زمان‌بندی شده»، با گذشت مدتی از نزول این آیه، تنبیه بدنی زنان را جایز نمی‌شمارد؛ درحالی‌که رمضان البوطی نه‌تنها تنبیه بدنی زنان را نفی نکرده، بلکه مجازات زندان البته با حکم دادگاه را نیز یکی از راهکارهای مقابله با نشوز، جهت تفسیر ضرب ملحوظ در آیه دانسته است. با عنایت به راهکار دوم البوطی در حل نشوز (درخواست مرد از دادگاه جهت مجازات زندان برای زوجه) که

از جمله تفاسیر شاذ برای آیه مذکور محسوب می‌شود، باید در نظر داشت آیه: «وَاللَّائِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ... (نساء/۱۵)؛ و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا می‌شوند، چهار نفر از مسلمانان را به‌عنوان شاهد بر آن‌ها بطلبید، اگر گواهی دادند آنان (زنان) را در خانه‌های (خود) نگاه دارید تا مرگ‌شان فرا رسد یا این‌که خداوند راهی برای آن‌ها قرار دهد»، نیز مجازات در قالب زندانی کردن در خانه را درباره زنانی که دچار فحشا شده‌اند، بیان نموده، لکن ارتباطی با ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء که موضوع آن، زنان ناشزه هستند، ندارد. در تحلیل این دیدگاه باید گفت، آیه مورد بحث، قصد اصلاح زن ناشزه و بازگشت او به خانواده را دارد، اما زندان، میان او و خانواده فاصله انداخته و او را از فرزندان خود نیز دور می‌نماید که پیامدهای فراوان فردی و اجتماعی برای فرزندان خواهد داشت. لذا این سؤال قابل طرح است که: «از کجای سیاق آیه یا حتی آیات بعد و یا با استناد به کدام روایت و دلیل قطعی، حکم به زندانی کردن زن ناشزه داده شده است؟» لذا به نظر می‌رسد تفسیر مذکور، بر پایه اجتهاد شخصی البوطی ارایه شده است. هم‌چنین رویکرد وی در بیان خشونت‌هایی که بر زنان غربی روا داشته می‌شود، با بحث آیه ۳۴ سوره نساء که ضرب را منحصر به زنان ناشزه دانسته و آن‌را برای همسران تجویز نموده، ارتباط چندانی ندارد؛ چرا که خشونت در جوامع غربی، منحصر در بحث خانواده و روابط زناشویی نبوده و جنبه عام دارد و دلیل آن‌را باید در رواج بی‌عفتی و یا مصرف مشروبات الکلی در این جوامع دانست که کرامت زن را از میان برداشته و زمینه‌ساز خشونت علیه زنان شده است.

بر این اساس به نظر می‌رسد، دیدگاه آیت‌الله معرفت با ابداع نظریه «نسخ تمهیدی زمان‌بندی شده» و ارایه دلایل متقن از آیات و روایات در تبیین رفتار پسندیده با زنان، باب جدیدی را در تفسیر این آیه که تا کنون مورد مناقشات فراوانی از سوی مفسران قرار گرفته، گشوده است. اگر بحث واژگانی پیرامون «ضرب» - که مورد توجه برخی محققان معاصر قرار گرفته - نیز مکمل ادله قرآنی و روایی آیت‌الله معرفت در باب ضرب زنان قرار گیرد، به نتایج مطلوبی خواهد انجامید. به عنوان نمونه، وجوه معنایی مختلفی چون اعراض و روی‌گردانی (موسوی رکنی لاری، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۶۶)، ترک منزل (ابوسلیمان، ۲۰۰۲ م، صص ۳۸-۳۹)، موضع‌گیری علنی زوج و زوجه (شحرور، ۱۴۲۰ ق، صص ۶۲۱ و ۶۲۲)، غضب کردن (ابن‌العربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۵) و سخت‌گیری در نفقه (معرفت، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۵۹) که همگی مصادیق گوناگونی از اقدام عملی مرد در قبال نشوز همسرش (شاهرودی، بشارتی، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۴۰) - بدون اعمال خشونت علیه او هستند - می‌تواند جهت بازپژوهی ضرب زنان در آیه مذکور مورد توجه قرار گیرد. هرچند پژوهش‌های انجام‌شده با عنایت به معنای لغوی ضرب، تا کنون از جامعیت برخوردار نبوده و نقدهایی نیز بر آن وارد است.

### مقایسه روشی

در تفسیر دوم بوطی از «وَأَضْرِبُوهُنَّ» که بیان مجازات زندان با درخواست زوج از دادگاه است، عنایت به سیاق آیه و آیات بعد لحاظ نشده است. لذا به نظر می‌رسد، تفسیر مذکور با روش اجتهادی صورت پذیرفته که از این حیث مشابه با آیت‌الله معرفت است؛ چرا که ایشان نیز در تفسیر آیه مذکور از نظریه «نسخ تمهیدی زمان‌بندی شده» البته با بهره‌گیری از دیگر آیات قرآن و روایات، تاریخ، آراء اندیشمندان و مفسران و توجه به طبیعت و فطرت انسان، سخن به میان آورده که گونه‌ای از اجتهاد در تفسیر آیه مورد بحث به‌شمار می‌رود. درحالی‌که البوطی در تفسیر ضرب زنان، اجتهاد خویش را تنها با تکیه بر انسان‌شناسی و قوانین و سنن الهی که هم‌اکنون در جوامع بشری نیز حاکم است، بنا نموده و از هیچ‌یک از روش‌های فوق مانند استناد به دیگر آیات قرآن و روایات استفاده نکرده است. هم‌چنین هیچ‌یک از این دو محقق مسلمان، بحث واژگانی و شأن نزول آیه را در تفسیر «وَأَضْرِبُوهُنَّ» مورد توجه قرار نداده‌اند.

### حورالعین

در قرآن کریم، سخن از این است که خداوند متعال حورالعین را در بهشت برای مردان آماده کرده: «وَأَحْضُرُ عِیْنٌ» (واقعہ/۲۲)؛ درحالی‌که مثل آن‌را برای زنان وعده نداده است. از این‌رو، ممکن است این شبهه در ذهن انسان خطور کند که خداوند در بهشت نیز پاداش‌های اخروی مردان را هم‌سو با جایگاه بالاتر ایشان در دوران جاهلیت لحاظ نموده است! بر این اساس، هر دو اندیشمند (آیت‌الله معرفت و رمضان البوطی) موضوع حورالعین را به عنوان یکی از شبهات فرهنگ زمان نزول قرآن، در آثار خویش آورده‌اند.

البوطی در پاسخ به این شبهه، به فرق طبیعت و فطرت زن و مرد اشاره کرده و بر این باور است که صراحت در بیان پاداشی چون حورالعین برای مردان، با طبیعت ایشان سازگار بوده اما در مورد زنان، بیان چنین پاداشی با صراحت، امری برخلاف فطرت و طبیعت ایشان است. لذا خداوند که خالق این دو جنس است، به طور قطع هنگامی که آنان‌را مورد خطاب قرار می‌دهد، با نظرداشت فطرت و طبیعت ایشان عمل کرده است. بنابراین، درخصوص پاداش مربوط به مردان، با صراحت از حورالعین نام برده، اما درباره زنان با عنایت به این ویژگی ایشان که به‌طور طبیعی می‌بایست مورد توجه جنس مخالف قرار گیرند و نه برخلاف آن، از چنین پاداشی به صراحت سخنی به میان نیاورده و کیفیت پاداش به ایشان را بیان نموده، هرچند بر آن آگاه باشد. این اندیشمند مسلمان معتقد

است، اگر در غرب به صورت ظاهری، زن و مرد از این حیث مساوی می‌نمایند، از آن‌روست که با توجه به شرایط چنین جوامعی، زنان برخلاف طبیعت و فطرت خود عمل می‌نمایند و این از عوامل شقاوت زن غربی است. البوطی سپس نمونه‌های گوناگونی از آیات قرآن را می‌آورد که در آن‌ها مصادیق مختلف نعمت‌های بهشتی برای زنان و مردان به‌طور یکسان و به تساوی ذکر شده است: مانند: «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (ق/۳۱)؛ و بهشت را به پرهیزکاران نزدیک می‌کنند بی‌آن‌که فاصله‌ای از آنان داشته باشد» و «يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهُهُ الْأَنْفُسُ وَتَلْدُّ الْأَعْيُنَ» (زخرف/۷۱). خداوند در این آیات، نعمت‌های فوق را به صراحت برای زنان و مردان بیان کرده است. او سپس این‌گونه نتیجه می‌گیرد که این از شئون و اختصاصات خداوند خالق انسان است که گاه با صراحت سخن گوید و گاهی نه (بوطی، ۱۴۳۱ق، صص ۱۷۶-۱۸۰).

آیت‌الله معرفت در پاسخ به این شبهه، چنین بیان می‌دارد که خداوند، زنان را حوریه‌هایی قرار می‌دهد که برای شوهران‌شان، از حوریه‌های بهشتی لذت‌بخش‌تر و خواستنی‌ترند. ایشان نظر خود را برگرفته از روایات می‌داند؛ هرچند جز روایتی از ابن عباس، به دیگر روایات اشاره نکرده است. در روایت ابن عباس که ذیل تفسیر آیه: «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرْبًا أَثَرِابًا» (واقعه/۳۵ - ۳۷) آمده، آیه مذکور بیانگر زنان انسی دانسته شده که خداوند در بهشت، آن‌ها را به حورالعین مبدل می‌سازد (طبرسی، ج ۹، ص ۲۱۹). آیت‌الله معرفت سپس با عنایت به دیگر آیات قرآن مانند: «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (رعد/۲۳)؛ باغ‌های جاویدان بهشت که وارد آن می‌شوند و هم‌چنین پدران و همسران و فرزندان صالح آن‌ها، و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند» و «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ» (زخرف/۷۰)، بر این‌که مومنان با همسران‌شان وارد بهشت می‌شوند، تاکید کرده است (معرفت، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹۶).

### مقایسه از حیث محتوا

با عنایت به دیدگاه‌های ارایه شده در پاسخ به شبهه مذکور، به نظر می‌رسد، تفاوت‌هایی میان مضمون رأی رمضان البوطی و دیدگاه آیت‌الله معرفت وجود دارد؛ هرچند در ظاهر مشابه می‌نماید. البوطی، پاسخی ابهام‌آمیز به شبهه مذکور داده و معتقد است، قرآن کریم در بیان برخی نعمات بهشتی برای زنان، به دلیل طبیعت و فطرت ایشان صراحت نداشته است؛ اما آیت‌الله

معرفت می‌گوید از آیات قرآن می‌توان وعده خداوند به زنان را دریافت، چرا که خطاب به مؤمنان می‌گوید: «با همسران خویش وارد بهشت خواهید شد». این استاد علوم قرآنی، آن‌گاه با استناد به روایات، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که زنان در بهشت به حوریه‌هایی برای همسران‌شان مبدل می‌شوند. با عنایت به این رأی و از دیگر سو، این‌که رمضان البوطی با استناد به آیاتی از قرآن، به پاداش‌های مساوی زن و مرد در موارد گوناگون اشاره کرده، می‌توان نتیجه گرفت، رویکرد کلی قرآن کریم در اعطای پاداش اخروی مردسالار نبوده است؛ هرچند در برخی جزئیات هم‌چون حورالعین به شکل یکسان برای زن و مرد در نظر گرفته نشده باشد.

### مقایسه روشی

آیت‌الله معرفت و رمضان البوطی، هر دو از روش استناد به دیگر آیات قرآن بهره برده‌اند، اما با مقاصدی متفاوت؛ چرا که البوطی در پی بررسی صراحت آیات قرآن در پاداش اخروی به زنان و مردان و آیت‌الله معرفت به دنبال اثبات حضور زنان مؤمنه در قالب حورالعین در قیامت بوده است. رمضان ابوطی هم‌چنین با استفاده از روش انسان‌شناسی بر پایه طبیعت و فطرت زن و مرد، به شبهه مذکور پاسخ گفته، درحالی‌که آیت‌الله معرفت ترجیح داده روایات و آراء مفسران را - البته در سطحی محدود و با تکیه بر روایتی تفسیری از ابن عباس - در پاسخ‌گویی به این شبهه به کار گیرد.

### نتیجه‌گیری

با عنایت به آرای تفسیری هر دو اندیشمند مسلمان پیرامون شبهات روابط زناشویی در مواردی چون ازدواج با مطلقه فرزندخوانده، قوامیت، ضرب زنان و حورالعین، شبهه وام‌گیری قرآن از فرهنگ عصر نزول در آیات مربوطه (موارد بررسی شده در این پژوهش) منتفی است و این امر بر جاودانگی و فراعصری بودن قرآن کریم صحه می‌گذارد. تشابه دیدگاه‌ها از منظر کلی، در برخی شبهات چون ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با زینب بنت جحش (مطلقه فرزندخوانده ایشان) به خوبی نمایان است. هرچند تفاوت‌هایی نیز در نوع نگرش به شخصیت رسول گرامی اسلام ﷺ در این داستان به نظر می‌رسد که ناشی از تفاوت نگاه مذهبی آیت‌الله معرفت و رمضان البوطی، به مسئله عصمت است. در تفسیر قوامیت مردان نیز تفاوت‌هایی در برخی جزئیات مانند تفکیک معنای ولایت و قوامیت در نزد بوطی که دایره محدودتری را برای قوامیت مردان بر زنان نسبت به رأی آیت‌الله معرفت ترسیم نموده است، مشاهده می‌شود. هم‌چنین در موضوع حورالعین، تفاوت‌هایی میان مضمون رأی البوطی مبنی بر عدم صراحت پروردگار در بیان این پاداش به زنان و دیدگاه آیت‌الله معرفت که بر مبدل شدن زنان مؤمن به حوریان بهشتی تأکید می‌کند، وجود دارد؛ هرچند در ظاهر مشابه می‌نماید. «ضرب زنان» تنها شبهه‌ای است که هر دو اندیشمند مسلمان بر پایه اجتهاد خویش به آن پاسخ گفته‌اند و هیچ‌گونه اشتراکی میان آراء ایشان مشاهده نمی‌شود. رمضان البوطی از ضرب به تنبیه بدنی ملایم زنان و یا درخواست مرد از دادگاه جهت مجازات زندان برای زنان تعبیر کرده است؛ اما آیت‌الله معرفت با عنایت به سیره پیامبر اکرم ﷺ و استناد به دیگر آیات قرآن، نظریه «نسخ تمهیدی زمان‌بندی شده» را برای «وَأَصْرِبُوهُنَّ» در این آیه مورد توجه قرار داده است. آیت‌الله محمدهادی معرفت و محمدسعید رمضان البوطی، هر دو از روش‌هایی چون عنایت به سیاق آیات، استناد به دیگر آیات قرآن، روایات، زبان عرب و بحث واژگانی، انسان‌شناسی و در مواردی اجتهاد شخصی خویش استفاده نموده‌اند. رمضان البوطی سنن و قوانین حاکم بر جوامع بشری را مورد توجه قرار داده و کمتر به آراء مفسران استناد نموده؛ اما آیت‌الله معرفت، دیدگاه‌های مفسران را فراوان مورد توجه قرار داده است.

جدول شماره ۱- روش رمضان بوطی در تفسیر

ردیف	عنوان شبهه	استناد به سیاق	استناد به روایات	استناد به اشعار و زبان عرب	شواهد تاریخی و جغرافیایی	بحث واژگانی	استناد به آیات دیگر قرآن	توجه به علوم تجربی	انسان‌شناسی (توجه به طبیعت و فطرت انسان)	استناد به آراء مفسران و اندیشمندان	اجتهاد	توجه به سنن و قوانین بشری در جوامع امروزی
۱	قوامیت مرد بر زن	*	-	-	-	*	*	-	*	-	-	*
۲	ضرب زنان	*	-	-	-	-	-	-	*	-	*	*
۳	حورالعین	-	-	-	-	-	*	-	*	-	-	-
۴	ازدواج پیامبر ﷺ با زینب جحش	*	*	-	-	-	*	-	-	-	-	-

جدول شماره ۲- روش آیت‌الله معرفت در تفسیر

ردیف	عنوان شبهه	استناد به سیاق	استناد به روایات	استناد به اشعار و زبان عرب	شواهد تاریخی و جغرافیایی	بحث واژگانی	استناد به آیات دیگر قرآن	توجه به علوم تجربی	انسان‌شناسی (توجه به طبیعت و فطرت انسان)	استناد به آراء مفسران و اندیشمندان	اجتهاد	توجه به سنن و قوانین بشری در جوامع امروزی
۱	قوامیت مرد بر زن	*	*	-	-	-	*	-	*	*	-	-
۲	ضرب زنان	*	*	-	*	-	*	-	*	*	*	-
۳	حورالعین	-	*	-	-	-	*	-	-	*	-	-
۴	ازدواج پیامبر ﷺ با زینب جحش	*	-	-	-	-	*	-	-	-	-	-

## منابع

- \* قرآن کریم، ترجمه: الهی قمشاهی، مهدی (تهران، بنیاد نشر قرآن و امیرکبیر، ۱۳۸۰ش)؛ مکارم شیرازی، ناصر (قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ش)؛ شعرانی، ابوالحسن (تهران، اسلامیه، ۱۳۷۴ش)؛ مشکینی، علی (قم، الهادی، ۱۳۸۱ش)؛ انصاریان، حسین (قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش)؛ آیتی، عبدالمحمد (تهران، سروش، ۱۳۷۴ش)؛ پاینده، ابوالقاسم (تهران، جاویدان، ۱۳۵۴ش)؛ پورجوادی، کاظم (تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۴۱۴ق)؛ دهلوی، شاه ولی الله (مدینه، مجمع ملک فهد، ۱۴۱۷ق)؛ گرمارودی، سیدعلی (تهران، قدیانی، ۱۳۸۴ش)؛ مصباحزاده، عباس (تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۸۰ش)؛ یاسری، محمود (قم، بنیاد فرهنگي امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۵ق).
۱. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات، تهران، مكتبة النینوی الحدیثه، چاپ اول، بی تا.
  ۲. ابن العربی، ابی بکر محمد بن عبدالله، احکام قرآن، محقق: بجاوی، علی محمد، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
  ۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: میردامادی، جمال الدین، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
  ۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
  ۶. ابوسلیمان، عبدالحمید احمد، ضرب المرأة وسیلة لحل الخلافات الزوجیه، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۲م.
  ۷. احمدی، محمدرضا، جنسیت از منظر دین و روان شناسی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
  ۸. اسماعیل (صاحب) بن عباد، المحيط فی اللغة، محقق: آل یاسین، محمد حسن، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.

۹. بحرانی، سیدهاشم، حلیة الابرار فی اصول محمد ﷺ وآله الاطهار ﷺ، قم، موسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۰. بصیری، حمیدرضا، بشارتی، زهرا، کرامت ذاتی انسان و مسأله تنبیه بدنی او در روایات ضرب، مجموعه مقالات همایش ابعاد وجودی انسان، تحقیق: بیات، محمدحسین؛ اشرفی، عباس، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی ﷺ، ۱۳۹۴ش.
۱۱. بلخی، مُقاتل بن سلیمان بن بشیر ازدی مروزی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۱۲. بوطنی، محمد سعید رمضان، لایاتیه الباطل، دمشق، دارالفکر، ۱۴۳۱ق.
۱۳. جعفری، یعقوب، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۵۸۹، ۱۳۸۹ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۶ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۶. رستمی، حیدرعلی، پژوهشی در نسبت میان قرآن و فرهنگ زمانه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
۱۷. (سید/شریف) رضی، سید محمدبن حسین بن موسی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۸. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحرالعلوم، تحقیق: عمروی، عمر بن غلام حسن، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، بی تا.
۱۹. شاذلی قطب (سید قطب)، سید ابراهیم حسین، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۰. شاهرودی، محمدرضا؛ بشارتی، زهرا، بازپژوهی ضرب زنان در آیه ۳۴ نساء، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۵۳، ش ۱، ۱۳۹۹ش.
۲۱. شحرور، محمد، کتاب و القرآن قرآنة معاصرة، دمشق، الاهالی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۴م.

۲۲. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، مطبعة حیدریه علیه السلام، چاپ اول، بی تا.
۲۳. صفی علی شاه، حسن بن محمدباقر، تفسیر صفی، تهران، منوچهری، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. (علامه) طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تحقیق: غفاری، علی اکبر، تهران، صدوق، ۱۳۶۰ ش.
۲۶. عیاشی، محمدبن مسعود، کتاب التفسیر، تحقیق: رسولی محلاتی، سیدهاشم، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. (علامه) فضل الله، سیدمحمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: موسوی جزایری، سیدطیب، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۳۰. (شیخ) کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تحقیق: غفاری، علی اکبر؛ آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: حسینی، هاشم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۸ ش.
۳۲. (علامه) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. مدرسی، سیدمحمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین علیه السلام، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. مسعودی، سعید، قرآن و فرهنگ زمانه، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ش.
۳۵. معرفت، محمدهادی، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ترجمه: حکیم باشی، حسن؛ خرقانی، حسن؛ رستمی، علی اکبر؛ علی زاده، میرزا، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۸ ش.
۳۶. موسوی رکنی لاری، سیدمجتبی، حقایق پنهان در آیات قرآن، بینات، سال یازدهم، ش ۳، ۱۳۸۴ ش.
۳۷. نوری، میرزا حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

38. Andrae, Tor, Mohammed: The man and his faith, London, George Allen, 1956.
39. Friesdorf, R.; Conway, P.; Gawronski, B., Gender Differences in Responses to Moral Dilemmas: A Process Dissociation Analysis, Personality and Social Psychology Bulletin, 41 (5), pp. 696-713, 2015.

**Comparative Analysis of the Interpretive Views of Ayatollah Ma'refat and Ramadan al-Bouti Regarding the Controversies Surrounding Marital Relationships (Case Study: "Marriage to the Divorced Adopted Child, Guardianship, Domestic Violence, and Houris")**

Zahra Besharati

**Abstract**

Emphasizing Quranic Teachings in Marital Relationships for Strengthening Family Bonds and, Consequently, the Growth of Society Understanding and interpreting certain verses related to marital relationships in the Quran has faced challenges and controversies, prompting various scholars to provide diverse interpretations. This has led notable Muslim thinkers, such as Muhammad Saeed Ramadan al-Bouti, a Sunni jurist, and Ayatollah Sheikh Mohammad Hadi Ma'refat, a Shia scholar, to address these issues in their works. This paper explores the views of these two scholars on topics such as marriage to a divorced adopted child, guardianship, domestic violence, and heavenly marriage. Utilizing a detailed comparative method and reflecting on the verses of the Holy Quran, the traditions of the Ahl al-Bayt, and the Arabic language, it investigates these matters. Accordingly, the concept of guardianship concerning authority and the mission of the Prophet Muhammad to abolish the tradition of adoption is seen as similar in both scholars' interpretations, particularly in the context of his marriage to Zainab bint Jahsh. Conversely, there are notable differences in their views on issues such as distinguishing between the concepts of guardianship and authority, the infallibility of the Prophet in his marriage to his divorced adopted child, and the continuation of married life for believing men and women in paradise.

**Keywords:** Ayatollah Ma'refat, Al-Bouti, Quran, Doubt, Marital Relations.